

تحلیل و بررسی تحولات ارزش اثباتی سوگند در قوانین جزایی ایران

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

عادل ساریفانی^۱

رقیه ماستری فراهانی*

چکیده

سوگند به عنوان دلیل اثبات جرایم در حقوق جزای ایران تحولات گسترده‌ای را پشت‌سر گذاشته است. قبل از انقلاب، سوگند منحصر به جرم‌انگاری سوگنددروغ در دعوی حقوقی بود. پس از انقلاب، تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، منحصر به نفی یا اثبات قصاص و دیه بوده است و به صورت پراکنده در مواد مختلف آمده بود. اما تصویب قانون مذکور تحول بزرگی در نقش سوگند به عنوان دلیل اثبات جرایم ایجاد کرد. این مقاله به بررسی و تحلیل تحولات ارزش اثباتی سوگند در قوانین جزایی ایران پرداخته است. بررسی‌ها حاکی از آن است که نقش سوگند در ادله اثبات جرایم در طول تاریخ قانون‌گذاری ایران از قبل از انقلاب و تصویب قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۰۴ تا سال ۱۳۹۲ تحولات زیادی داشته و بسیار توسعه یافته است و نقش سوگند از انحصار در حوزه جرم‌انگاری سوگنددروغ، قبل از انقلاب و تأثیر در نفی یا اثبات قصاص و دیه پس از انقلاب، به تأثیر در نفی و یا اثبات قصاص، دیه، ارش و اثبات ضرر و زیان ناشی از جرم در سال ۱۳۹۲ توسعه یافته است. برای اولین بار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، ادله اثبات جرایم در یک بخش به صورت مستقل تدوین شد و ده ماده به سوگند اختصاص یافت. با بررسی مواد ده‌گانه ابداعی قانون‌گذار، شرایط حاکم بر سوگند برای اولین بار شناسایی و مورد بررسی قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: سوگند، دلیل، ارزش اثباتی، قوانین جزایی

Email: adelsari@yahoo.com

Email: farahani2020@gmail.com

۱. استاد گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران

* پژوهشگر پژوهشکده حقوق و قانون ایران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

سوگند به عنوان دلیل اثبات دعوا در قوانین مدنی ایران جایگاه مشخص و تعریف شده‌ای دارد؛ اما در قوانین جزایی وضعیت متفاوت است. چون اولاً: در قوانین جزایی ایران تا قبل از سال ۱۳۹۲ ادله اثبات جرایم به صوت منسجم و سازمان یافته احصا نشده بود و ادله اثبات جرایم به صورت پراکنده در قوانین جزایی آمده بود. ثانیاً: با توجه به عدم احصاء ادله اثبات جرایم در قوانین جزایی تا قبل از سال ۹۲ جایگاه سوگند به عنوان یکی از این ادله وضعیت شفاف و روشنی نداشت. این مقاله به بررسی و تحلیل تحولات ارزش اثباتی سوگند به عنوان یکی از ادله اثبات جرم در قوانین جزایی ایران از ابتدای تاریخ قانون گذاری کشور و نیز به تغییرات احتمالی آن در ادوار مختلف قانون گذاری پرداخته است.

۱- مفاهیم و اصطلاحات

۱-۱- سوگند

سوگند عبارت است از: «گواه قرار دادن خداوند بر صحت گفتار یاد کننده سوگند» (امامی، ۱۳۷۵: ۲۲۵)

قانون گذار در سال ۱۳۹۲ در ماده ۲۰۱ قانون مجازات اسلامی، سوگند را چنین تعریف کرده است: «سوگند عبارت از گواه قرار دادن خداوند بر درستی گفتار اداکننده سوگند است.» قابل توجه است که تعریف ارائه شده در ماده ۲۰۱ قانون مجازات اسلامی کاملاً برگرفته از تعریف مرحوم حسن امامی در زمان حاکمیت قانون مدنی است. به عبارت دیگر، در زمانی که تعریف مزبور توسط مرحوم امامی ارائه شده بود، قانون گذار ایران تعریفی از سوگند ارائه نکرده بود. به همین دلیل تعاریف متعددی از سوگند وجود داشت. کاتوزیان نیز در اثر گران قدر خود به عنوان اثبات و دلیل اثبات، سوگند را چنین تعریف کرده بود:

«سوگند اعلام اراده‌ای است که به موجب آن شخص خدا را شاهد صداقت خود در اظهارات و التزامات بیان شده می‌گیرد.» (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱۸۳)

در تعریف دیگری یکی از صاحب نظران اظهار داشته است:

«سوگند اظهاری است که شخص با گواه گرفتن خداوند به نفع خود می‌نماید» (دینانی، ۱۳۸۳: ۱۵)
 جعفری لنگرودی تعریف وسیع‌تری از سوگند دارد. وی در کتاب وسیط در ترمینولوژی حقوق، در
 تعریف سوگند نوشته است:

«سوگند عبارت است از ذکر مقدسات دینی در مقدمه اظهارات یا عقود برای ارائه صدق سخن و
 یا التزام به ثبات و لزوم عقود» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۹: ۴۱۴)

عباس ایمانی در فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری و در تعریف سوگند نوشته است:
 «سوگند یاد خداوند متعال است به منظوری که گوینده جز به راستی چیزی نگوید و تمام حقایق
 را بیان کند.» (ایمانی، ۱۳۸۶: ۳۴۲)

با نگاهی به تعاریفی که از سوگند ارائه شد، نتیجه می‌گیریم که تعریفی که مرحوم امامی از
 سوگند داشته است، در سال ۱۳۹۲ توسط قانون‌گذار مجازات اسلامی تقریباً عیناً پذیرفته
 شده و تبدیل به ماده قانونی شده است.

۱-۲-۲- دلیل

آن‌گونه که در فرهنگ لغت معین آمده است، دلیل در لغت به معنی مرشد، راهنما، راه طریق،
 جهت و سبب است. ادله جمع دلیل است و معنای جمعی دلیل را دارد. از نظر فقهی، دلیل عبارت
 است از: مستند حکم شرعی و خود دارای اقسامی است. نظیر: دلیل عقلی، دلیل نقلی، دلیل
 اجتهادی، دلیل فقهی، دلیل لبی و دلیل لفظی و ... (ویکی فقه، دانشنامه حوزوی، ذیل اصطلاح دلیل،
 شهریور ۱۳۹۵) دلیل در امر کیفری عبارت است از:

«هر چیزی که منجر به کشف واقعیت گردد. بنابراین دلیل وسیله اثبات واقعیت است. به همین
 دلیل ادله اثبات در امور کیفری از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است. دلیل، ترسیم کننده
 خطی است که مراحل مختلف دادرسی کیفری از لحظه کشف جرم تا صدور حکم را به هم پیوند
 می‌زند.» (حق پناهان، ۱۳۹۳: ۲۱۱ و ۲۱۲)

۱-۳-۱- ارزش اثباتی

اصطلاح ارزش اثباتی در قوانین تعریف نشده است. دکتربین حقوقی، ترکیب ارزش اثباتی را در
 ارتباط با هر یک از ادله اثبات دعوا به کار می‌برند. ارزش اثباتی و قدرت یا توان اثباتی در معنای

عام تحت عنوان ارزش اثباتی مورد مطالعه قرار می‌گیرند؛ اما ارزش اثباتی به معنای خاص عبارت است از:

«میزان تأثیر قانونی یا اقناعی ادله در ایجاد اطمینان برای قاضی مبنی بر صحت ادعای کسی است که به آن استناد می‌نماید.» (عمروانی، ۱۳۹۰: ۲۶)

به عنوان مثال میزان اطمینان یا اقناع حاصل از اقرار یا سند رسمی یا معاینه محل یکسان نیست و هر یک ارزش اثباتی متفاوتی دارند.

۴-۱- قوانین جزایی

در معنی اخص قوانینی است که جرم‌ها و کیفر آنها را معین می‌کند. در معنی اعم علاوه بر جرم‌ها و کیفرها قوانین صلاحیت دادگاههای جزایی و سازمانهای کیفری و قواعد مرور زمان کیفری را گویند. تازیان آن را القانون الجنائی گویند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۲۸۵۶)

ارزش اثباتی سوگند به دو مقطع قبل از انقلاب اسلامی و بعد از انقلاب اسلامی طبقه‌بندی می‌شود. مقطع تاریخی بعد از انقلاب اسلامی نیز به نوبه خود در دو مقطع تاریخی مستقل ارائه می‌شود که عبارت است: از ابتدای انقلاب اسلامی تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ و بعد از تصویب این قوانین تاکنون. ابتدا وضعیت سوگند در قوانین جزایی قبل از انقلاب اسلامی بررسی می‌شود.

۲- سوگند به عنوان یکی از ادله اثبات جرایم قبل از انقلاب اسلامی

سوگند به عنوان دلیل اثبات امر جزایی در طول تاریخ قانون‌گذاری ایران در قبل و بعد از انقلاب وضعیت متفاوتی داشته و تحولات زیادی را پشت سر گذاشته است. برخی از این تحولات مربوط است به ارزش اثباتی سوگند به عنوان دلیل اثبات جرم و تحولات مهم‌تر در حوزه ادله اثبات جرائم به صورت کلی اتفاق افتاده است. به منظور بررسی دقیق وضعیت ارزش اثباتی سوگند و تحولات آن در تاریخ قانون‌گذاری در حوزه قوانین جزایی، تاریخ قانون‌گذاری جزایی در دو مقطع فوق‌الذکر بررسی می‌شود.

منشأ اعتبار قسم به عنوان یکی از ادله اثبات دعوا خاستگاه مذهبی دارد و به همین دلیل در ادیان مختلف، استفاده از قسم به عنوان یکی از ادله اثبات دعوا سابقه دیرینه‌ای دارد. پیشینه استفاده از قسم در ادیان مختلف به گونه‌ای است که لنگرودی معتقد است که در هندوئیسم نیز استفاده از قسم به عنوان ادله اثبات دعوا رواج داشته است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ۲۲۱۴، ذیل واژه سوگند) اما صرفنظر از پیشینه تاریخی و مذهبی که استفاده از سوگند به عنوان ادله اثبات دعوا داشته است، در سابقه قانون‌گذاری نوین ایران استفاده از سوگند به عنوان دلیل اثبات امر کیفری تا قبل از انقلاب اسلامی فاقد پیشینه قابل استناد است. سیدحسن امامی در کتاب حقوق مدنی (امامی، ۱۳۷۵: ۲۲۵) تصریح کرده که استفاده از سوگند به عنوان ادله اثبات امری شایسته است. توضیحی که ایشان آورده‌اند به این شرح است که:

«افرادی که با ایمان کامل به مبانی مذهبی گرویده‌اند قوانین و رسوم آن را با علاقه‌مندی در روابط اجتماعی خود به کار می‌بندند و چون خداوند را حاکم علی‌الاطلاق بر تمامی موجودات می‌دانند سوگند به نام او را به دیده احترام می‌نگرند و از بیم عقوبت، سوگند دروغ یاد نمی‌کنند و همچنان که شهادت دروغ هم نمی‌دهند.»

وی پس از این مقدمه، روند بی‌اعتباری و مبنای عدم اقبال به سوگند به عنوان دلیل اثبات را چنین آورده است:

«پس از آنکه روح ایمان رفته رفته در افراد ضعیف گشت و حکومت‌های مذهبی رخت بر بستند و جای خود را به حکومت‌های سیاسی سپردند، سوگند هم مانند شهادت به تدریج اهمیت خود را در میان ادله اثبات دعوا از دست داد. این است که قوانین موضوعه کنونی سوگند را در موارد نادری دلیل یا جزء دلیل شناخته‌اند.» (همان)

بررسی تاریخی قوانین قبل از انقلاب اسلامی ایران حاکی از آن است که استفاده از سوگند به عنوان دلیل اثبات در امور جزایی سابقه‌ای نداشته است. به عبارت دیگر، هرچند در قانون مدنی ادله اثبات دعوا به قید حصر احصا شده‌اند و این احصا قبل از انقلاب اسلامی بوده است و هرچند که در این قانون تعداد یازده ماده، به سوگند به عنوان یکی از ادله اثبات دعوا اختصاص یافته است (از ماده ۱۳۲۵ تا ماده ۱۳۳۵) و هرچند که در ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی که قبل از انقلاب اسلامی به تصویب رسیده و حاکمیت داشته است، تصریح شده که دلایل اثبات دعوا پنج نوع هستند و

نوع پنجم آنها قسم شناخته شده است و هرچند که در این ماده تصریحی بر عدم اختصاص قسم به عنوان ادله اثبات در امر کیفری وجود نداشت، اما تلقی عمومی آن است که قسم در مقررات و قانون‌گذاری قبل از انقلاب اسلامی به عنوان ادله اثبات امور کیفری مورد شناسایی قانون‌گذار قرار نگرفته بوده است. این موضوع از نگاه ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی قابل استخراج است. زیرا در ماده مزبور، ادله اثبات دعوا در پنج نوع مورد شناسایی قرار گرفته و مسلم است که به امر جزایی اصطلاحاً دعوا گفته نمی‌شود. بنابراین قسم در امور مدنی معتبر بوده است. اما در امور کیفری، در قبل از انقلاب نصی بر اعتبار سوگند به عنوان یکی از ادله اثبات جرائم وجود نداشته است. علاوه بر اینها، در ماده ۱۳۲۵ قانون مدنی که قبل از انقلاب به تصویب رسیده است، تصریح شده که در دعاوی که با شهادت شهود قابل اثبات است، مدعی می‌تواند حکم به دعوی خود را که مورد انکار مدعی علیه است، منوط به قسم او نماید؛ این نیز نشان می‌دهد که نظر قانون‌گذار قبل از انقلاب اسلامی اینگونه بوده است که استفاده از سوگند به عنوان یکی از ادله اثبات دعوا در امور مدنی مورد شناسایی قرار گیرد و در امور جزایی قانون‌گذار با استفاده از سوگند به عنوان ادله اثبات امر جزایی موافقتی نداشته است. دلیل دیگری که به روشنی حکایت از عدم شناسایی سوگند به عنوان ادله اثبات امر کیفری می‌کند، ماده ۲۲۱ قانون مجازات عمومی، مصوب سال ۱۳۰۴ است. در این ماده آمده است که:

«هرکس در مورد دعوی حقوقی قسم متوجه او شده باشد و سوگند دروغ یاد نماید محکوم به یک الی سه سال حبس تأدیبی خواهد شد»

در این ماده نیز که در مقام جرم‌انگاری قسم دروغ انشا شده است، صراحتاً جرم مزبور را مقید و محدود کرده است به دعوی حقوقی. به عبارت دیگر، با توجه به ماده ۲۲۱ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ نتیجه می‌گیریم که استفاده از سوگند به عنوان دلیل اثباتی در امر جزایی حتی مورد جرم انگاری قانون‌گذار قرار نگرفته است. البته این موضوع به معنای آن نیست که قانون‌گذار در سال ۱۳۰۴ در مقام تفکیک استفاده از قسم در امر کیفری و امر حقوقی باشد. به عبارت دیگر، از ماده ۲۲۱ نمی‌توان استنتاج کرد که قانون‌گذار سوگند دروغ در دعوی حقوقی را جرم‌انگاری کرده اما سوگند دروغ در امر کیفری را جرم‌انگاری نکرده است؛ بلکه با استقصا و بررسی کامل مواد قانونی علت این اقدام قانون‌گذار را می‌توان توجیه کرد به این ترتیب که استفاده از سوگند در امر کیفری

مورد شناسایی قانون‌گذار قرار نگرفته بود و بنابراین موضوعاً و عملاً امکان ارتکاب سوگند دروغ در امر کیفری وجود نداشته است. به اصطلاح گفته می‌شود که در این موارد، سالبه به انتفاع موضوع بوده است. به عبارت دیگر، سلب وصف جرم‌انگاری استفاده از سوگند در امر کیفری در قوانین قبل از انقلاب اسلامی به خاطر آن بوده است که اساساً موضوع استفاده از سوگند در امر کیفری منتفی بوده و چنین فرضی محقق نمی‌شده است. این وضعیت بر اساس مبانی حکومتی و روند عمومی که در نظام سیاسی اجتماعی حاکم که در قبل از انقلاب وجود داشته، قابل توجیه است؛ زیرا قانون‌گذار قبل از انقلاب تلاش در عرفی‌سازی قوانین داشته و بنای زیادی بر استفاده از مبانی تئوریک شریعت نداشته است. حتی در قوانین بعد از انقلاب اسلامی نیز استفاده از سوگند به عنوان دلیل اثبات امر کیفری پس از سالها آزمون و خطا و صدور احکام متفاوت اتفاق افتاده است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

در رابطه با مقررات سوگند قبل از انقلاب اسلامی می‌توان به این صورت جمع‌بندی کرد که قوانین راجع به سوگند در قبل از انقلاب اسلامی در سه محور خلاصه شده است. **محور اول**، مقررات راجع به سوگند، مدنی است. همان‌طور که گفته شد در مبحثی مستقلی از کتاب سوم قانون مدنی بحث راجع به ادله اثبات دعوا از ماده ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۵ آمده است. در این مقررات هیچ صحبتی از سوگند جزایی نشده است. **دومین محور** از اسناد قانون‌گذاری در ارتباط با استفاده از سوگند مربوط به سوگند، مقامات است. (سوگند غیرقضایی یا یمین العقد) سوگند مقامات نیز به صورت پراکنده در قوانین مختلف قبل از انقلاب پیش‌بینی شده بود؛ نهایتاً این نوع از سوگند برای احراز مقامات رسمی یا مشاغل حرفه‌ای بوده و ارتباطی به سوگند در امور کیفری ندارد. (واعظی نژاد، ۱۳۹۳: ۸۱) و نیز (شمس، ۱۳۸۹: ۱۶۲) سومین مسئله‌ای که در ارتباط با سوگند در سوابق قانون‌گذاری قبل از انقلاب اسلامی وجود دارد، مربوط به جرم‌انگاری راجع به سوگند دروغ است.^۱ بر این اساس، نتیجه می‌گیریم که بررسی اسناد قانون‌گذاری قبل از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که از دید قانون‌گذار قبل از انقلاب اسلامی اساساً کاربردی از سوگند به عنوان ادله اثبات امر جزایی وجود

۱. ماده ۲۲۱ قانون مجازات عمومی، مصوب سال ۱۳۰۴: «هر کس در مورد دعوی حقوقی قسم متوجه او شده باشد و سوگند دروغ یاد نماید محکوم به یک سال الی سه سال حبس تأدیبی خواهد شد.»

نداشته است و قانون‌گذار چنین وضعیتی را مورد شناسایی قرار نداده است. به عبارت دیگر، در قوانین جزایی قبل از انقلاب اسلامی، سوگند به عنوان دلیل اثباتی جرائم توسط قانون‌گذار پیش‌بینی نشده و به این ترتیب سوگند در بین ادله اثبات جرائم جایگاهی نداشته است.

۳- سوگند در ادله اثبات جرائم پس از انقلاب اسلامی

با توجه به حجم تغییرات قانون‌گذاری در این مقطع، برای بررسی پیشینه و جایگاه سوگند در ادله اثبات جرائم پس از انقلاب اسلامی لازم است مجموعه اسناد قانون‌گذاری موجود در دو مقطع مستقل بررسی شود. این مقاطع زمانی عبارتند از: ۱- ابتدای انقلاب تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲. ۲- بعد از تصویب قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ تاکنون.

تفاوت جوهری که ایجاد کرده است تا مقررات راجع به جایگاه سوگند در ادله اثبات جرائم به این دو مقطع زمانی اختصاص یابد، آن است که اگرچه قانون‌گذار انقلاب اسلامی گرایش مستند و مشهودی داشته تا مقررات جزایی را با قواعد شریعت انطباق زیادی دهد، اما در عمل این توفیق در قانون‌گذاری اوایل انقلاب کمتر به دست آمده است. به عبارت دیگر، قانون‌گذار در سالهای ابتدایی پس از انقلاب اسلامی علی‌رغم تلاش و تکاپوی فراوان و شتاب خاصی که برای شرعی‌سازی مقررات جزایی داشته، عملاً نتوانسته است قواعد شفاف منسجم و قابل دفاعی در حوزه شرعی‌سازی مقررات ادله اثبات جرائم ارائه دهد. این ضعف و سستی به گونه‌ای است که در مجموعه اسناد قانون‌گذاری پس از انقلاب اسلامی تا مقطع زمانی سال ۱۳۹۲ نمی‌توان مقررات و اسناد واضح، منسجم و مستقلی در ارتباط با ادله اثبات کیفری پیدا کرد و تفکیک آنها را از ادله اثبات دعوا نشان داد. به عبارت دیگر، در طول فاصله سی و چند سالی که از ابتدای انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۲ گذشته است، قانون‌گذار به روشنی نتوانسته است تعیین کند که ادله اثبات دعوا با ادله اثبات جرائم چه تفاوتی دارد؟ مصادیق آنها کدام است؟ و به‌طور مشخص کاربرد سوگند در ادله اثبات کیفری چه حدود و ثغور و تعاریف و محدوده‌هایی دارد؟ به‌طور کلی در این مقطع و تا قبل از سال ۱۳۹۲ در خصوص ادله اثبات جرم، به صورت کلی حکمی وجود نداشت و فقط در ابواب حدود و قصاص و دیات در خصوص این ادله تصریح شده بود. این در حالی است که در قانون‌گذاری سال ۱۳۹۲ با اختصاص بخش خاصی از قانون مجازات اسلامی با عنوان ادله

اثبات جرایم این تفکیک انجام شده است و احکامی صریح و واضح نسبت به گذشته در خصوص ادله اثبات جرایم بیان شده است و مشخصاً فصل مستقلی از ادله اثبات جرایم، به سوگند در امور جزایی اختصاص یافته است. این وضعیت ایجاب می‌کند تا در بررسی و تحلیل تحولات قانون‌گذاری راجع به سوگند در مقطع پس از انقلاب اسلامی آن را به دو مقطع فوق‌الذکر تقسیم کنیم. بر این اساس، به توجیه و بررسی و تحلیل تحولات قانون‌گذاری راجع به سوگند به عنوان ادله اثبات جرایم در دو مقطع مزبور می‌پردازیم.

۳-۱- تحولات سوگند جزایی در فاصله پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۲

مجموعه مقررات راجع به سوگند در این مقطع زمانی نیز از نظر موضوعی در سه دسته قابل طبقه‌بندی است. دسته اول: مقررات راجع به سوگند در خصوص احراز مشاغل و مقامات رسمی (سوگند غیرقضایی یا یمین العقد). دسته دوم: مقررات راجع به سوگند در قوانین و مقررات جزایی ایران و دسته سوم: جرم‌انگاری‌های راجع به سوگند دروغ. هر یک از این دسته مقررات‌گذاری به شرح زیر قابل تبیین است:

۳-۱-۱- مقررات‌گذاری در ارتباط با کاربرد سوگند در احراز مقامات و مشاغل رسمی

(سوگند غیر قضایی یا یمین العقد)

طیف وسیعی از مقررات در ارتباط با سوگند برای احراز مشاغل و مقامات رسمی در این فاصله تاریخی یعنی سالهای پس از انقلاب اسلامی انجام شده است. به عنوان مثال در اصل ۶۷ قانون اساسی پیش‌بینی شده است که: نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای احراز شغل مزبور سوگند یاد کنند. همچنین در اصل ۱۲۱ قانون اساسی پیش‌بینی شده است که: رئیس‌جمهوری منتخب با تشریفات خاصی در مجلس سوگند یاد کند. علاوه بر این، در ماده ۲۵ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۱۳۸۶ پیش‌بینی شده است که مدیران و کارمندان دولتی برای احراز مشاغل حرفه‌ای سوگند یاد کنند. همچنین در ماده ۴۰ قانون مطبوعات پیش‌بینی شده است که اعضای هیأت منصفه دادگاه مطبوعات با رعایت تشریفات مقرر سوگند یاد کنند. در مواد مختلفی پیش‌بینی سوگند برای احراز مشاغل وجود داشته است. سوگند کارشناس نیز از جمله مقرراتی است که در فاصله قبل از مقطع تاریخی مورد مطالعه دارای اسناد قانون‌گذاری است. همچنین در

ماده ۱۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری قدیم، مصوب ۱۳۷۸ برای استماع شهادت شهود پیش‌بینی سوگند شاهد شده بود. اگرچه شاهد و کارشناس در بعضی از مصادیق آن به عنوان شغل رسمی محسوب نمی‌شود، اما پیش‌بینی سوگند آنها حکایت از توجه قانون‌گذار به کاربرد سوگند در امور اجتماعی دارد. بحث ضمانت اجرای این سوگند امری مستقلی است که به لحاظ پرهیز از اطاله کلام به ذکر آن نمی‌پردازیم.

۳-۱-۲- مقررات سوگند در قوانین جزایی در فاصله پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۹۲

قانون‌گذار در مواد مختلفی از قوانین مقطع مورد مطالعه، مقرراتی را برای سوگند در امور جزایی پیش‌بینی کرده است. به عنوان مثال در قانون راجع به مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۶۱ در مواد ۱۶-۱۵۷-۱۶۴-۱۶۹-۱۷۱ و ۱۷۷ در ارتباط با سوگند مقررات‌گذاری ویژه‌ای دارد. اهم این مقررات‌گذاری به این شرح است:

در ماده ۱۶ قانون راجع به مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است که:

«هرگاه اصل قتل با شهادت شهود عادل ثابت شود و قاتل مدعی گردد که خطا انجام شده و عاقله منکر خطایی بودن آن باشد در صورتی که عاقله سوگند یاد کند قول عاقله مقدم بر قول جانی می‌باشد.»

ملاحظه می‌شود که در این ماده استفاده از سوگند در امر جزایی برای تعیین نوع قتل مورد شناسایی قرار گرفته است. در این فرض، اختلاف بین عاقله و قاتل وجود دارد. قاتل برای انتقال مسئولیت پرداخت دیه به عاقله مدعی خطا بودن می‌شود و عاقله منکر خطا بودن است. در این فرض، سوگند عاقله به عنوان شیوه رفع اختلاف بین عاقله و جانی شناخته شده است و به عنوان دلیل اثبات کننده ادعای عاقله به رسمیت شناخته شده است. نمونه دیگر، ماده ۱۵۷ قانون راجع به مجازات اسلامی است. در این ماده آمده است که: «مرجع تشخیص زوال عقل یا نقصان آن خبره معتمد می‌باشد و اگر در اثر اختلاف رأی خبرگان زوال یا نقصان عقل ثابت نشود قول جانی با سوگند مقدم بر قول مجنی‌علیه است.» ملاحظه می‌شود که در این ماده نیز رفع اختلاف میان جانی و مجنی‌علیه با استفاده از دلیل سوگند به رسمیت شناخته شده است. البته فرض ماده ۱۵۷

به شرط تحقق موضوع این ماده است. همچنین در ماده ۱۶۴ قانون راجع به مجازات اسلامی تصریح شده است:

«در صورت اختلاف بین جانی و مجنی‌علیه در صورتی که با نظر خبرگان معتمد یا آزمایش موضوع روشن نشود، مجنی‌علیه با قسامه دیه را دریافت خواهد کرد.»

البته در این ماده حل اختلاف به وسیله دلیل قسامه انجام شده است. اصل کاربرد سوگند در حل اختلاف بین جانی و مجنی‌علیه امری است که برای اولین بار در سابقه قانون‌گذاری بعد از انقلاب در این ماده و در فرض خاص موضوع ماده مطرح شده است. این وضعیت در ماده ۱۶۹ همان قانون نیز پیش‌بینی شده است که حکمی در ارتباط با قسامه دارد. همچنین در ماده ۱۷۱ این قانون به کاربرد قسامه برای حل اختلاف بین جانی و مجنی‌علیه تأکید شده است و نمونه بعدی ماده ۱۷۷ همان قانون است که به ذکر متن ماده در پاورقی اکتفا می‌شود.^۱ (گلدوزیان، ۱۳۸۹: ۳۷۷) مجموعه دیگری که در سابقه قانون‌گذاری پس از انقلاب اسلامی کاربرد سوگند را به عنوان ادله اثبات جرائم نشان می‌دهد، قانون حدود و قصاص، مصوب ۱۳۶۱ است. مطابق ماده ۲۷ این قانون یکی از راههای اثبات قتل، قسامه است. در مواد ۳۵ به بعد این قانون به موارد لوث و استعمال قسامه به عنوان دلیل اثبات پرداخته شده است. (همان، ۳۲۲) از دیگر موارد، مقررات‌گذاری قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ می‌باشد. مطابق ماده ۲۳۱ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۰ یکی از راههای ثبوت قتل در دادگاه قسامه است. قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۰ واژه قسم را با مشتقات آن سی و چهار بار استفاده نموده است که تمامی آنها در باب قصاص و دیات است. بنابراین مهم‌ترین کاربرد قسم در امور کیفری مربوط به موضوع صدمات بدنی و حایز اهمیت‌ترین نوع آن در قسامه است. همچنین از واژه سوگند نیز هفت بار در این قانون استفاده شده است که یک مرتبه آن در حدود (ماده ۶۶ ق.م.ا.) و مابقی موارد در قصاص و دیات است. (یکرنگی، ۱۳۹۱: ۲۱۶)

۱. ماده ۱۷۷ - اگر اختلاف جانی و مجنی‌علیه در زوال و نقصان حس چشایی با آزمایش یا مراجعه به دو متخصص عادل بر طرف نشود با قسامه مدعی حسب مورد حکم به نفع او صادر می‌شود.

از مواد دیگر در قانون مصوب سال ۱۳۷۰، می‌توان به مواد ۲۴۵ تبصره ۲۵۶ - ۳۰۵ - ۳۱۰ - ۴۴۸ و ۴۶۱ این قانون در این خصوص اشاره کرد. به‌عنوان نمونه دیگر، در ماده ۲۴۵ قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۷۰ است که پیش‌بینی کرده است که صرف حضور مدعی علیه هنگام قتل در محل واقعه از موارد لوث واقع نمی‌شود و مدعی علیه با اتیان یک سوگند تبرئه می‌شود. ملاحظه می‌شود که استفاده از سوگند به عنوان دلیل استنادی مدعی علیه متهم به قتل در این ماده مورد شناسایی قرار گرفته است. همچنین در تبصره ماده ۲۵۶ پیش‌بینی شده است که چنانچه مدعی علیه حضور خود را هنگام قتل در محل واقعه انکار نماید، ادعای او با سوگند پذیرفته می‌شود. در اینجا نیز سوگند عامل پذیرش ادعایی شده است که متهم به قتل مطرح کرده است. اگرچه در تحلیل ادعای مدعی علیه در این فرض می‌توان او را در مقام منکر قرار داد و گفت که ادعای وی مبنی بر عدم حضور در محل، در واقع به منزله انکار مشارکت و ایفای نقش در جرم قتل بوده و سوگند وی امری مطابق قاعده بوده و در واقع سوگند وی به منزله سوگند منکر است که امری پذیرفته شده است و مطابق قواعد حقوقی انجام شده است. اما باید توجه کرد که حضور در هنگام قتل در محل وقوع قتل، زمینه بروز لوث را پدید می‌آورد و آنگاه با مقررات راجع به قسامه وضعیت پیچیده‌ای پیدا می‌کند. پذیرش ادعای منکر در خصوص حضور در هنگام قتل و در محل واقعه که دو عنصر زمان و مکان قتل را مورد بررسی قرار می‌دهد آن هم با دلیل سوگند، امری است که به‌منزله شناسایی سوگند در متفرعات مسئله جزایی قابل توجه است. در ماده ۳۰۵ قانون مزبور نیز فرض نکول از سوگند پیش‌بینی شده است که حاکی از توجه قانون‌گذار به مقررات سوگند است. در ماده ۳۱۰ این قانون نیز تصریح شده است که:

«هرگاه اصل قتل با شهادت شهود عادل ثابت شود و قاتل مدعی گردد که خطا انجام شده و عاقله منکر خطایی بودن آن باشد در صورتی که عاقله سوگند یاد کند قول عاقله مقدم بر قول جانی می‌باشد.»

این ماده قبلاً نیز در قانون راجع به مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است و طریق رفع اختلاف بین عاقله و جانی را تعیین تکلیف کرده بود. ماده ۴۴۸ نیز فرض اختلاف بین جانی و مجنی علیه در خصوص زوال عقل یا نقصان آن را پیش‌بینی می‌کند که قول جانی با سوگند مقدم شمرده شده است. این ماده نیز در مقررات قبلی پیش‌بینی شده بود. ماده ۴۶۱ قانون مجازات اسلامی

مصوب سال ۱۳۷۰ نیز در خصوص زوال بینایی است و فرضی را مطرح می‌کند که با شهادت شهود متخصص امکان ارزیابی صورت مسئله ادعا نباشد و لذا سوگند به عنوان دلیل اثباتی پیش‌بینی شده است. (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۹: ۴۰۱)

نظریه مشورتی شماره ۷/۶۱۸۴-۱۳۸۰/۸/۲ اداره کل حقوقی قوه قضاییه بیان داشته است: «در امور کیفری غیر از آنجایی که منصوص است سوگند وجود ندارد.» (جوانمرد، ۱۳۹۱: ۲۴۴)

۳-۱-۳- مقررات‌گذاری راجع به جرم‌انگاری سوگند دروغ

پیش از این گفته شد که در ماده ۲۲۱ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ جرم‌انگاری سوگند دروغ انجام شده بود. اما به دلیل محدود بودن کاربرد سوگند در دعوای حقوقی، جرم‌انگاری مزبور منحصرأ در خصوص دعوای حقوقی انجام شده بود. این وضعیت در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۶۲ نیز عیناً تکرار شده است. در ماده ۱۰۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۶۲ آمده است: «هرکس در مورد دعوای حقوقی قسم متوجه او شده باشد و سوگند دروغ یاد نماید به شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم خواهد شد.» تبعیت این ماده از ماده ۲۲۱ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ موجب شده است که قانون‌گذار توجه نکند که تغییراتی که در قانون راجع به مجازات اسلامی در یک سال قبل یعنی سال ۱۳۶۱ انجام داده بود، وضعیتی را پدید آورد که توجه سوگند به افراد نه تنها در دعوای حقوقی مطرح بود، بلکه مطابق مواد ۱۶-۱۵۷-۱۶۴-۱۶۹-۱۷۱ و ۱۷۷ قانون راجع به مجازات اسلامی در دعوای جزایی نیز سوگند متوجه افراد می‌شد و لازم بود هنگام جرم‌انگاری راجع به سوگند دروغ تفاوتی، بین اتیان سوگند دروغ در دعوای حقوقی و جزایی قائل نشود. اما ظاهراً غفلت قانون‌گذار از تغییراتی که در یک سال قبل در حوزه کاربرد سوگند در امر جزایی داشته است، موجب شد که جرم‌انگاری راجع به سوگند دروغ را منحصرأ در دعوای حقوقی انجام دهد. نکته مهم آن است که این غفلت قانون‌گذار از سال ۶۲ تا سال ۱۳۷۵ ادامه داشته است. به عبارت دیگر، جرم‌انگاری راجع به سوگند دروغ منحصرأ در فرضی بوده است که سوگند دروغ در دعوای حقوقی اتیان شود. در سال ۱۳۷۵ با تصویب قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده وضعیت تغییر کرد، به گونه‌ای که در ماده ۱۵۲ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده تصریح شده است که:

«هرکس در دعوای حقوقی یا جزایی که قسم متوجه او شده باشد سوگند دروغ یاد نماید به ۶ ماه تا ۲ سال حبس محکوم خواهد شد.»

ملاحظه می‌شود که در این ماده قانونی، سوگند دروغ در دو دعوای حقوقی و جزایی موضوع جرم‌انگاری قرار گرفته است و علاوه بر آنکه مجازات آن نیز تشدید شده و از مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه به مجازات ۶ ماه تا ۲ سال حبس ارتقا یافته و تشدید شده است، موضوع و دایره تحقق سوگند دروغ نیز توسعه یافته است. بر این اساس، به نظر می‌رسد که قانون‌گذار جمهوری اسلامی در فاصله سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۵ توجه نکرده بود که چه تحولاتی در حوزه کاربرد سوگند ایجاد کرده است. به عبارت دیگر، قانون‌گذار سال ۱۳۰۴ که جرم‌انگاری سوگند دروغ را منحصرأ به سوگند در دعوای حقوقی پذیرفته بود، در واقع از انسجام ذهنی و قانون‌گذاری لازم برخوردار بوده است؛ زیرا جرم‌انگاری مزبور را متناسب با مقررات راجع به کاربرد سوگند انجام داده است. اما قانون‌گذار پس از انقلاب اسلامی که جرم‌انگاری مزبور را در سال ۶۲ به تقلید از قانون‌گذار قبل از انقلاب منحصر و مخصوص به قسم دروغ در دعوای حقوقی کرده بود، باید توجه می‌کرد که اولاً؛ یک سال قبل در قانون راجع به مجازات اسلامی سال ۶۱ استفاده از سوگند را به دعوای و امور جزایی تعمیم داده بود و بنابراین جرم‌انگاری مزبور را نیز باید به لحاظ موضوعی تعمیم می‌داد. ثانیاً؛ این تعمیم در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۵ توسعه یافته بود و کاربردها و استفاده‌های بیشتری از سوگند در امر جزایی مورد شناسایی قرار گرفته بود. این ویژگی نیز ایجاب می‌کرد که قانون‌گذار متناسب با تغییراتی که ایجاد کرده است، جرم‌انگاری‌ها را سازمان‌دهی کند که این اقدام انجام نشده است. در جمع‌بندی تحولات قانون‌گذاری دوره اول پس از انقلاب اسلامی، یعنی فاصله سال‌های ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۹۲ نتیجه می‌گیریم که اولاً؛ قانون‌گذار شتاب فراوانی داشته است تا مقررات جزایی را بر قواعد شریعت تطبیق کند و در این راستا حداقل ۴ دوره قانون‌گذاری را طی نموده است. اهم این موارد عبارتند از: قانون راجع به مجازات اسلامی سال ۶۱ - قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب سال ۶۲ - قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب سال ۷۰ و - قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، مصوب سال ۷۵. پنجمین مرحله قانون‌گذاری نیز قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ می‌باشد. در ماده ۱۵۳ این قانون نیز سوگند شاهد پیش‌بینی شده بود. ثانیاً؛ قانون‌گذار مزبور، در این مقطع تاریخی با وجود تعدد قانون‌گذاری،

در ارتباط با توسعه و تعمیم دادن مقررات راجع به سوگند در امور کیفری، از انسجام‌بخشی و نظم‌دهی کافی و کامل در حوزه قانون‌گذاری راجع به کاربرد سوگند در امور جزایی غفلت کرده است؛ به‌گونه‌ای که به صورت مشخص و واضح نتوانسته است در این پنج دوره قانون‌گذاری به صورت واضح و صریحی اعلام کند که کاربرد سوگند در امر جزایی با چه مقررات و شرایط و ضوابطی انجام می‌شود و چه نسبتی با سایر ادله اثبات جرائم دارد و تفاوت آنها با ادله اثبات دعوا در امر حقوقی چیست؟ ثالثاً: این که متأسفانه قانون‌گذار حتی به تحولاتی که خود در حوزه کاربرد سوگند در امر جزایی داشته است، وقوف و توجه لازم را نداشته است؛ به‌گونه‌ای که با وجود تغییراتی که در توسعه‌پذیری و تعمیم‌پذیری کاربرد سوگند در امر جزایی داشته است، متأسفانه از جرم‌انگاری سوگند دروغ در امور جزایی غفلت کرده و هنگامی که در سال ۱۳۶۲ بنای جرم‌انگاری سوگند دروغ را داشته است، جرم مزبور را محدود به دعاوی حقوقی کرده است. این وضعیت تا سال ۱۳۷۵ ادامه داشت. البته در سال ۱۳۷۵ در ماده ۱۵۲ این قانون اصلاح لازم صورت گرفت و صراحتاً تأکید شد که سوگند دروغ در دعاوی جزایی و دعاوی مدنی ممکن است محقق شود. نکته دیگری که در ارتباط با ماده ۱۵۲ قانون، تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده سال ۱۳۷۵ قابل ذکر است آن است که پس از آنکه به موجب اصلاحات مورخ ۱۳۸۸/۳/۵ و تصویب قانون جرایم رایانه‌ای، شماره مواد قانون تعزیرات در ادامه شماره مواد مجازات اسلامی سال ۷۰ قرار گرفت. ماده ۱۵۲ قانون تعزیرات نیز از نظر شماره عددی ماده تغییر کرد و به این ترتیب ماده مزبور به ماده ۶۴۹ قانون مجازات اسلامی سال ۷۵ شناخته می‌شود. توضیح بیشتر اینکه قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۰ شامل چهار کتاب به تصویب رسید. کتاب آخر و پنجمین کتاب، بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده بود که در سال ۷۵ به تصویب رسید. در سال ۱۳۸۸ قانون جرایم رایانه‌ای به تصویب رسید و در ماده ۵۵ این قانون پیش‌بینی شد که قانون تعزیرات سال ۷۵ در ادامه قانون مجازات اسلامی سال ۷۰ قرار گیرد و شماره مواد متوالی باشد و قانون جرایم رایانه‌ای نیز در ادامه قانون تعزیرات و بازدارنده محاسبه شود. به این ترتیب شماره ماده راجع به جرم‌انگاری مجازات سوگند دروغ از ۱۵۲ به ۶۴۹ اصلاح شد.

۴- تحولات سوگند جزایی بعد از قانون‌گذاری سال ۱۳۹۲

در این خصوص لازم به ذکر است که از سال ۱۳۹۲ تاکنون دو تحول بنیادی در حوزه قانون‌گذاری راجع به سوگند در امور جزایی پدید آمده است. تحول اول مربوط است به تصویب قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ و تحول دوم راجع است به قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲. اگر چه به نظر می‌رسد که منسجم‌ترین اسناد قانون‌گذاری راجع به کاربرد سوگند در امور جزایی در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ صورت گرفته است، اما باید توجه کرد که در قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ نیز تحولات قانون‌گذاری متعددی صورت گرفته است. این تحولات به تبیین بیشتر وضعیت سوگند در امور جزایی انجامیده و انسجام‌بخشی دقیق‌تر و کامل‌تری در ارتباط با سوگند در امر جزایی ایجاد کرده است. مقررات راجع به سوگند در امر جزایی در مواد مختلفی از قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ آمده است. توضیح این مقررات آن است که اولاً: در بخش پنجم از کتاب اول قانون مجازات اسلامی بخش مستقلی پیش‌بینی شده است. در این بخش، ادله اثبات در امور کیفری به عنوان موضوع و عنوان بخش آمده است. این امر در سابقه قانون‌گذاری از بدو تأسیس قانون‌گذاری در امر کیفری بی‌سابقه بوده است. ثانیاً: بخش مزبور شامل چند فصل بوده و در فصل اول این بخش، مواد عمومی راجع به ادله اثبات در امر کیفری آمده است. فصل دوم این بخش به مقررات راجع به اقرار پرداخته است و فصل سوم، مقررات راجع به شهادت را بیان کرده است و در فصل چهارم، مقررات سوگند به صورت تفصیلی تبیین شده است. این فصل از ماده ۲۰۱ تا ۲۱۰ مشتمل است بر ده ماده مستقل مربوط به سوگند. البته در مواد مختلفی از این قانون، مقررات دیگری راجع به سوگند آمده است. از بررسی این مواد می‌توان تفاوت سوگند جزایی را با سایر ادله اثبات جرایم شناسایی کرد. همچنین با بررسی این مواد می‌توان به تعریف ارائه شده از سوگند اشاره کرد. همچنین اصول حاکم بر سوگند جزایی را استخراج کرد و شرایط اعتبار سوگند جزایی و قلمرو شمول قدرت اثباتی سوگند را نیز در پرتو مطالعات این مواد مشخص کرد. مقررات راجع به صیغه سوگند و تشریفات ادای سوگند جزایی و بی‌اعتباری سوگند در فروزی که در این مقررات پیش‌بینی شده است، قابل استخراج و استنباط است. (عدالتخواه، ۱۳۹۳: ۳۹۱-۳۸۵) و نیز (کارخیران، ۱۳۹۲: ۵۵-۶۶) اما در قانون دومی که به صورت بنیادی

سوگند در امور کیفری را مطرح کرده است، یعنی قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ نیز مقررات متعددی در ارتباط با سوگند آمده است. از جمله این که مقررات متعددی در ارتباط با سوگند مترجم پیش‌بینی شده است. در این خصوص مواد ۲۰۰-۲۰۱-۳۶۷-۳۶۸ و قانون آیین دادرسی کیفری احکامی را مقرر کرده است. همچنین در رابطه با سوگند شاهد یا سوگند مطلع در مواد ۲۱۰-۲۱۱-۳۲۳ این قانون احکامی پیش‌بینی شده است. در ارتباط با توکیل‌پذیری یا توکیل‌ناپذیری سوگند در ماده ۳۳۱ قانون مذکور احکامی پیش‌بینی شده است. علاوه بر این، در مواد ۳۳۲-۳۳۳-۲۸۸ و ۳۳۴ از قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ مقررات متعددی در ارتباط با سوگند و شرایط و ضوابط و اصول حاکم بر آن آمده است. (سلیمی و بخشی‌زاده، ۱۳۹۳: ۳۳۸) و نیز (جوانمرد، ۱۳۹۱: ۲۴۴) در ارتباط با سوگند مقامات و یا مشاغل در قوانین متعددی که بعد از سال ۱۳۹۲ به تصویب رسیده است، نیز مقرراتی پیش‌بینی شده است که از جمله در تبصره ۴ ماده ۶ قانون شورای حل اختلاف، مصوب سال ۱۳۹۴ سوگند اعضای شورای حل اختلاف پیش‌بینی شده است. همچنین در ماده ۴۲ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۳/۱۱/۲۷ پیش‌بینی شده است که متقاضیان کسب پروانه مشاوره خانواده با رعایت مقرراتی، ادای سوگند کنند.

در جمع‌بندی به نظر می‌رسد که تحولات قانون‌گذاری بسیار وسیعی از سال ۱۳۹۲ به بعد در ارتباط با کاربرد سوگند در امر جزایی پدید آمده است. این تحولات از نظر پیشینه قانون‌گذاری فاقد سابقه شناخته شده است. اما تجربه عملی اقبال به سوگند در امور جزایی و وضعیت بی‌ضابطه بودن و عدم انسجام و فقدان شفافیت مقررات‌گذاری در این خصوص، موجب شده بود که تردیدهای متعددی در ارتباط با کارایی سوگند و شرایط و ضوابط استفاده از آن در امر جزایی پدید آید و اکنون این سؤال جدی مطرح است که آیا قانون‌گذار از سال ۱۳۹۲ به بعد که تلاش کرده است برای ضابطه‌مند کردن استفاده از سوگند در امر جزایی مقررات‌گذاری شفاف‌تری داشته باشد، کاربرد سوگند در امر جزایی را منسجم‌تر کرده است؟ و از ضایعات احتمالی این نهاد و تأسیسات حقوقی کاسته است یا با کاربرد نابجا و عدم انسجام و یا تعمیم‌پذیری‌های نابجایی که در این خصوص و در قالب مقررات‌گذاری کرده است، از اعتبار سوگند در امر جزایی عملاً کاسته است و در نهایت و در بستر تاریخی چند ده ساله مجبور به عقب‌گرد از این تأسیسات خواهد شد؟ به

عبارت دیگر، در فاصله قانون‌گذاری‌های سال ۱۳۹۲ تاکنون فرصت مناسبی برای ارزیابی رویه قضایی در ارتباط با قانون‌گذاری‌های جدید پدید نیامده است. هنوز نمی‌توان مطمئن شد که قانون‌گذار در رویکرد جدیدی که در ارتباط با کاربرد سوگند داشته، مرتکب اشتباه شده است یا زمینه توسعه و تعمیق استفاده از سوگند در امر جزایی را فراهم کرده است.



- بررسی‌های انجام شده در راستای تدوین این مقاله، نتایجی به شرح زیر در پی داشت.
- ۱- در قوانین جزایی قبل از انقلاب اسلامی ایران، سوگند به عنوان دلیل اثباتی در امر جزایی نقش نداشته است و به سوگند منحصرأ مطابق ماده ۲۲۱ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ در خصوص سوگند دروغ در دعاوی حقوقی استناد شده است.
 - ۲- نقش و ارزش اثباتی سوگند به عنوان دلیل اثبات امر جزایی در قوانین جزایی ایران، پس از پیروزی انقلاب اسلامی تحولات چشمگیری داشته است.
 - ۳- در قوانین جزایی پس از انقلاب اسلامی تا قبل از سال ۱۳۹۲ نقش سوگند به جز سوگند دروغ منحصر شد به قسامه و در اثبات یا نفی قصاص و دیات کاربرد داشت. علاوه بر این، اساساً ادله اثبات جرایم به صورت پراکنده در مواد مختلف قوانین جزایی آمده بود.
 - ۴- در قانون مجازات سال ۱۳۹۲ تحول بزرگ و تحسین برانگیزی در راستای انسجام و نظم‌دهی به ادله اثبات جرایم انجام شد و بخش خاصی از قانون به ادله اثبات امور جزایی اختصاص پیدا کرد. مطابق ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پنج دلیل را برای اثبات امور جزایی تعیین کرد. این ادله اثبات عبارتند از: اقرار، شهادت، قسامه و سوگند در موارد مقرر قانونی و علم قاضی.
- با توجه به آنچه در این مقاله ارائه شد، پیشنهاد می‌شود آثار و پیامدهای تغییرات قوانین در زمینه ارزش اثباتی و جایگاه سوگند در بین ادله اثبات جرائم در رویه قضایی بررسی شود تا از نتایج آن در اصلاح مقررات مربوط مد نظر قرار گیرد.

منابع و مأخذ

الف - قوانین

۱. قانون اساسی
۲. قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۷۸
۳. قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲
۴. قانون تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده، مصوب ۱۳۷۵
۵. قانون راجع به مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲
۶. قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۰
۷. قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲
۸. قانون مجازات عمومی، مصوب ۱۳۰۴
۹. قانون مدیریت خدمات کشوری
۱۰. قانون مطبوعات

ب - کتب

۱۱. امامی، حسن، (۱۳۷۵)، حقوق مدنی، جلد ششم، چاپ هفتم، تهران: اسلامیه.
۱۲. ایمانی، عباس، (۱۳۸۶)، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، چاپ دوم، تهران: نامه هستی.
۱۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد سوم، چاپ، چهارم تهران: گنج دانش.
۱۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۹)، وسیط در ترمینولوژی حقوق، چاپ دوم، تهران: گنج دانش.
۱۵. جوانمرد، بهروز، (۱۳۹۱)، فرایند دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ اول، تهران: جنگل.
۱۶. حق پناهان، عباس، (۱۳۹۳)، بررسی و تحلیل حقوقی و جرم‌شناختی قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی نوین، چاپ اول، تهران: جنگل.
۱۷. دیانی، دکتر عبدالرسول، (۱۳۸۵)، ادله اثبات دعوا در امور مدنی و کیفری، چاپ اول، تهران: تدریس.
۱۸. ساعدوکیل، امیر؛ پوریا عسکری، (۱۳۸۸)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در نظم حقوق کنونی، چاپ سوم، تهران: مجد.

۱۹. سلیمی، صادق؛ امین بخشی‌زاده، (۱۳۹۳)، تحلیل ماده به ماده قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در مقایسه با قوانین سابق، چاپ اول، تهران: جنگل.
۲۰. شمس، عبدالله، (۱۳۸۹)، ادله اثبات دعوی (حقوق ماهوی و شکلی)، چاپ هشتم، تهران: دراک.
۲۱. عدالتخواه، محمدرضا، (۱۳۹۳)، مسبوط در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، چاپ اول، تهران: مجد.
۲۲. عمروانی، رحمان، (۱۳۹۰)، تعارض ادله اثبات دعوا، چاپ اول، تهران: فکرسازان.
۲۳. فقیه لاریجانی، فرهنگ؛ محمد وارسته بازقلعه، (۱۳۹۰)، قانون مدیریت خدمات کشوری در نظم حقوق کنونی، چاپ اول، تهران: مجد.
۲۴. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۸)، اثبات و دلیل اثبات، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران: میزان.
۲۵. کارخیران، محمدحسین، (۱۳۹۲)، کاملترین مجموعه محشای قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ (جلد دوم) تطبیق با قانون مجازات اسلامی سابق، چاپ اول، تهران: راه نوین.
۲۶. کریمی، عباس، (۱۳۹۱)، ادله اثبات دعوا، چاپ سوم، تهران: میزان.
۲۷. گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۹)، ادله اثبات دعوا، چاپ چهارم، تهران: میزان.
۲۸. مرکز تحقیقات شورای نگهبان، مجموعه نظریات شورای نگهبان ۱۷ (۱۳۸۹)، تفسیری و مشورتی در خصوص اصول قانون اساسی به انضمام استفساریه‌ها و تذکرات ۱۳۸۸-۱۳۵۹، چاپ دوم.
۲۹. میرمحمدصادقی، حسین، (۱۳۸۹)، حقوق کیفری اختصاصی - جرایم علیه اشخاص، چاپ هفتم، تهران: میزان.
۳۰. واعظی نژاد، محمدرضا، (۱۳۹۳)، ادله اثبات دعوی در امور کیفری، چاپ اول، تهران: جنگل.
۳۱. هاشمی، سیدمحمد، (۱۳۹۲)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، اصول و مبانی کلی نظام، چاپ ۱۲، تهران: میزان.
۳۲. یکرنگی، محمد، (۱۳۹۱)، جرایم علیه اجرای عدالت قضایی، چاپ دوم، تهران: خرسندی.

ج: سایت اینترنتی

۳۳. دانشنامه حوزوی ویکی فقه، به نشانی: www.wikifeqh.ir

An Analysis and Review of the Evolution of the Probative Value of Oath in the Criminal Code of Iran

Adel Sarikhani¹

Roghayeh Masteri Farahani²

Abstract

In the Iranian Criminal law, oath as evidence to prove crimes has undergone an extensive evolution.

Before the Revolution, oath was limited exclusively to criminalization of false oath in civil actions.

After the Revolution and before the ratification of the Islamic Penal Code of 2013, it was solely recognized as a means of dismissal or proof of retaliation and blood money and was codified in different provisions in a scattered manner.

However, enactment of the aforementioned Act led to significant changes regarding the role of oath as evidence to prove crimes.

This article examines and analyzes the evolution in the probative value of oath in Iranian criminal law.

Studies show that the role of oath as evidence for crimes during the history of Iranian legislation before the Revolution and the adoption of the General Penal Code from 1304 until 2013 has undergone many changes and experienced has witnessed much development.

The restricted role of oath before the Revolution to the field of criminalization of false oath has expanded after the Revolution by its role in dismissing or proving the case for retaliation, payment of blood money, *arsh*, and damages caused by a crime according to an Act passed in 2013.

In the Islamic Penal Code of 2013 for the first time, criminal evidence was codified independently in one section and ten articles were dedicated to the oath. By examining the ten innovative articles passed by the legislator, the conditions governing the oath were recognized and scrutinized for the first time.

KeyWords: *Oath, Evidence, Probative value, Criminal laws.*

1. Associate Professor at Department of Criminal Law and Criminology, School of Law, University of Qom, Qom, Iran, adelsari@yahoo.com

2. Judge of Justice and Researcher of Iranian Law, farahani2020@gmail.com